

چشم را باید بست!

تحلیل ساختاری و محتوایی کتاب
تازه تالیف فارسی و مهارت‌های
نوشتاری پایه هشتم

کبری بخشی جویباری،
دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر ادبیات
سیداحمدهاشمی جویباری،
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر ادبیات

چکیده

موضوع مقاله تحلیل ساختاری و محتوایی کتاب فارسی و مهارت‌های نوشتاری پایه هشتم از دوره متوسطه اول است که در سال تحصیلی ۹۴ - ۹۳ اولین تجربه رسمی خود را در مدارس سراسر کشور آغاز کرده است. مؤلفان بر آن بوده‌اند که در این مقاله از دو دیدگاه کلی ساختاری و محتوایی، نقاط قوت و ضعف کتاب را بررسی کنند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل، ساختاری، محتوایی، فارسی، مهارت‌های نوشتاری هشتم

مقدمه

دو عنصر مهم در تغییر بنیادین نظام آموزشی هر کشور نقش اساسی دارند: یکی ابزار کتاب، دیگری نقش پویای معلم. دغدغه‌های مقام معظم رهبری در تدوین و تغییر کتاب به‌ویژه در عرصه فرهنگ و هنر، وزارت آموزش و پرورش و مؤلفان محترم را به کتاب‌نویسی واداشت و این کار با نوشتن مهارت خوانداری و نوشتاری در دوره ابتدایی شروع شد. سپس، در متوسطه اول (پایه‌های هفتم و هشتم) دو عنوان کتاب با نام فارسی و مهارت‌های نوشتن، تدوین گردید و همین روند تا تغییر اساسی کتاب‌های متوسطه دوم نیز ادامه می‌یابد (پایه دهم و پس از آن).

البته این ساختار شکنی کاری بسیار پسندیده و نیکوست اما نقش تأثیرگذارترین عنصر در چرخه آموزش و پرورش در آن کم‌رنگ است؛ این رابط و عامل پیوند دانش آموز (به‌عنوان خروجی فعال) و کتاب (به‌عنوان ابزار تأثیرگذار) نقش حیاتی معلم است که باید اساس تغییر در نظام آموزش ما باشد. به امید آنکه با پیوند تمامی عناصر در ساختار آموزش و پرورش بتوان در آینده‌ای نه چندان دور به افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ نزدیک شد و

دغدغه‌های مقام رهبری را برطرف ساخت. امید است آنچه در این مقال کوتاه می‌آید، نه به اندازه کلام شیخ در دیباجة گلستان که «متکلمان را به کار آید و مترسلان را بلاغت افزاید» بلکه با تداعی سخن بیهقی که «هیچ نبشته نیست که آن به یک‌بار خواندن نیرزد» مورد عنایت مؤلفان و همکاران محترم قرار گیرد.

نقد و بررسی «فارسی» پایه هشتم

کتاب حاضر در راستای کتب دوره ابتدایی با دو بخش (خوانداری و نوشتاری) تدوین گردیده و بر تقویت مهارت‌های زبانی و فرا زبانی تأکید دارد. رویکرد آموزشی کتاب، رویکردی مشارکتی است و در آن توصیه شده است که در فرایند تدریس از شیوه‌های یادگیری متنوع و روش‌های گفت‌وگو استفاده شود. حضور فعال دانش آموزان در فرایند یاددهی - یادگیری، کلاس را شاداب و آموزش را پویاتر می‌سازد و به یادگیری، ژرفای بیشتری می‌بخشد. با توجه به اینکه کتاب، آغازین تجربه‌های خویش را طی می‌کند و «مهارت‌های نوشتاری» نخستین سال حیات خود را پشت سر می‌گذارد. پس از ماه‌ها تدریس و هم‌اندیشی با همکاران و نظرسنجی از دانش آموزان، کتاب را از دو نگاه «ساختاری و محتوایی» تجزیه و تحلیل کرده‌ایم. از آنجا که کتاب مرحله گذار را پشت سر نهاده و به تثبیت رسیده و تغییرات محسوسی نخواهد داشت، امید است آنچه در این نوشته کوتاه می‌آید برای همکاران مفید و برای شورای تألیف کتب، ارزش خواندن داشته باشد.

الف. «ساختاری»

۱. تصویرهای بی‌روح و نقاشی شده؛ مثلاً در صفحات ۱۲، ۲۵ و ۳۸ و در بعضی موارد نمونه‌های بی‌تناسب با درس مثلاً صفحات

۳۰، ۴۴، ۶۱ و ۸۹ انگیزه و شادابی دانش‌آموزان را به درس و کتاب کاهش می‌دهد.

۲. یکسانی و یکنواختی زمینه تصویرها و رنگ صفحات درس‌های اصلی و حکایات درس، باعث خستگی ذهن دانش‌آموزان و همکاران می‌شود. لذا جا دارد حداقل زمینه رنگ حکایت‌ها با متن اصلی درس متفاوت باشد.

۳. تصویرهای درس به جای آنکه طبیعی و زنده باشد عموماً نقاشی شده با آب رنگ یا عکس‌های مرده و بی‌جان است. در بعضی از جاها (مثلاً ص ۶۱) از نقاشی بچه‌های ۵-۶ ساله استفاده شده که ارزش هنری درس و کتاب را کم می‌کند. در ص ۱۹ طاووس با آن همه رعنائی به تصویری بی‌حس بدل شده است.

۴. عبارتهای پیاپی از ذوق ادبی و احساس و شادابی نوجوانان می‌کاهد. مثلاً از ص ۱۶ تا ص ۳۹ عبارتهای منثور ملال‌آور است و یک درس منظوم و یک درس منثور جذاب‌تر خواهد بود.

۵. فراوانی نمونه‌های معاصر اگرچه مهارت خواننداری را تقویت می‌کند، پیوند دانش‌آموز را با ادبیات سنتی و کلاسیک قطع می‌سازد و فقر فرهنگی را رقم می‌زند. بر این اساس، بهتر است تعداد متون نظم و نثر متقدمین افزایش یابد.

۶. نمونه‌های غیرضروری از ارزش‌های ادبی و هنری کتاب می‌کاهد؛ مثلاً حکایت خودشناسی (ص ۸۹) با تصویرش چه هدفی دارد؟

۷. چه خوب بود حوزه‌های ادبی در فصل‌های جداگانه تنظیم می‌شد؛ مثلاً یک فصل ادبیات تعلیمی و اخلاقی با نمونه‌هایی از سنتی و معاصر/فصل دیگر ادبیات داستانی با نمونه‌هایی از کلاسیک و معاصر و... اگرچه فصل ادبیات معاصر جدا و مستقل نگارش یافته است اما به نظر می‌رسد در سراسر کتاب تنها آثاری از ادبیات معاصر خودنمایی می‌کند که این می‌تواند هرج و مرج نوشتاری را به دنبال داشته باشد.

۸. در بخش ادبیات جهان خوب بود غیر از شاعران فلسطین از شاعران دیگر ملل آسیایی و آفریقا و آمریکای جنوبی نیز نمونه‌هایی ذکر می‌شد.

۹. حکایت‌های طولانی تحت عنوان «روان‌خوانی» شاید بتواند مهارت خواننداری را تقویت نماید اما گاهی دل‌زدگی و بی‌حوصلگی را به دنبال دارد؛ مثلاً صفحات ۲۸-۲۳ جوانه و سنگ، یا صفحات ۱۰۲-۹۸ شوق آموختن. پس بهتر است داستان‌ها زیبا و کوتاه باشند تا نتیجه و هدف مطلوب حاصل شود.

۱۰. خوش‌خطی و دست‌نوشته ممکن است دانش‌آموز را به آفرینش هنری برساند اما چون کاربردی نیست و امروزه بیشتر از نوشته‌های تایپ شده استفاده می‌شود، سردرگمی همکاران ادبیات و هنر و دانش‌آموزان را به دنبال دارد لذا برای وحدت رویه ناچاریم از نوشته‌ی معیار (تایپ شده) استفاده کنیم. یا تنها در شعر از هنر خوش‌نویسی استفاده شود.

۱۱. اگر نام نویسنده پس از متن بیاید، در ذهن دانش‌آموز بیشتر نقش می‌بندد. فقط در ۳ جای کتاب متن بدون نام نویسنده آن به نگارش در آمده است؛ اگرچه در پایان در بخش منابع و مآخذ مشخص می‌شود (مثلاً ص ۳۲ ارمغان ایران یا ص ۹۲ ادبیات انقلاب یا ص ۱۰۲ شوق آموختن).

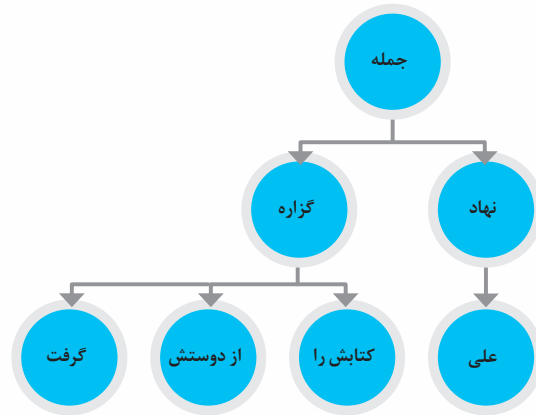
۱۲. اگر کتاب به سه بخش متون (کلاسیک و معاصر)، دانش‌های زبانی، و دانش‌های ادبی تقسیم شود، جالب و منطقی به نظر می‌رسد؛ زیرا در هم تنیده بودن بخش‌ها با گستردگی عنوان‌ها (دانش ادبی - فعالیت‌های نوشتاری - دانش‌های زبانی - خودارزیابی و...) همکاران را خسته و دانش‌آموزان را سردرگم می‌کند. توصیه می‌شود در بخش متون چند درس اول ارائه شود. در فصلی مستقل از آخر کتاب یا در وسط آن چند درس دانش‌های زبانی و پس از آن چند درس دانش‌های ادبی جداگانه گنجانده شود.

۱۳. به نظر می‌رسد آنچه در ص ۲۲ کتاب ذکر شده است، چندان در کتاب فارسی ضروری نمی‌نماید بلکه در مهارت‌های نوشتاری ضروری‌تر است یا آنچه در ص ۵۳ و ص ۷۰ آمده است، ضرورتش به جای فارسی در کتاب مهارت‌های نوشتاری بیشتر حس می‌شود.

۱۴. با توجه به اینکه در مقدمه کتاب فارسی آمده است که یک مدرس کل کتاب را ۴ ساعت در اختیار داشته باشد - یعنی ۲ ساعت انشا و ۲ ساعت املا و فارسی - این میزان در برنامه‌ریزی مدیران رعایت نمی‌شود و چنانچه دو معلم وارد کلاس شوند (یعنی ۲ ساعت انشا و ۲ ساعت املا و فارسی) دبیر بخش دوم (املا و فارسی) نمی‌تواند مباحث کتاب را به پایان رساند و این چالش فرا روی میزان ساعت درس فارسی و انشا خواهد بود. لذا توصیه می‌شود ساعت فارسی و نگارش ۵ ساعت باشد.

۱۵. به نظر می‌رسد در بخش نگارش و دانش‌های زبانی اگر به جای جدول از نمودار درختی استفاده شود؛ زیباتر به نظر می‌رسد. مثلاً





ب. «محتوایی»

۱. درس‌ها و صفحات فراوانی در یک موضوع ارائه شده است؛ مثلاً در وصف ایران درس ۳ «ارمغان ایران» درس ۱۰ «پرچم‌داران» ص ۷۹ شعر «ادیب‌الممالک فراهانی» و صفحات ۸۴ - ۸۲ شعر «ای وطن من» از سلمان هراتی که به نظر می‌رسد یک شعر جذاب در وصف ایران و یک درس «ارمغان ایران» کافی باشد.

۲. حکایات انتخاب شده، ساده و بی‌تخیل اند و از نظر محتوایی ضعیف به نظر می‌رسند؛ مثلاً حکایت ص ۱۶ محتوای ادبی یا اخلاقی چندانی ندارد. حکایت خودشناسی ص ۸۹ به نظر می‌رسد خودشناسی نیست و تصویر انتخاب شده هیچ‌گونه تناسبی با متن ندارد. اگرچه حکایت خودشناسی ص ۵۴ خواندنی و زیباست و محتوای ادبی و هنری دارد.

۳. استفاده از شاعران معاصر چون مهدی جهان‌دار با شعر «شرح انتظار» ص ۴۲ مطلوب می‌نماید اما شعر شاعران گمنام مثل «فدایی» در رثای اهل بیت با وجود اشعار قوی و غنی، چندان ادبی و هنری نیست.

۴. موضوع ص ۴۹ با عنوان انسان، فناوری و اخلاق چندان منطقی نیست و ادبیات، علم و فناوری و اخلاق با متن تناسب بیشتری دارد.

۵. شرح زندگی شخصیت‌های کشوری و لشکری پشت سر هم جذابیت هنری و ادبی ندارد در صورت آوردن این‌گونه متون با فاصله می‌توان ذوق هنری لازم را در مخاطب ایجاد کرد. بر این اساس، قرار گرفتن درس «روان‌خوانی» با عنوان آقا مهدی (شهید مهدی باکری) و زندگی‌نامه امیر کبیر به صورت متوالی برای دانش‌آموز جذاب نیست.

۶. داستان زندگی امیر کبیر آن هم با حجم ۴ صفحه از دو نویسنده چندان ضروری نیست. لذا توصیه می‌شود نوشته حسن‌زاده که غنای ادبی بیشتری دارد ارائه شود و نوشته محمود حکیمی که بیشتر بعد تاریخی و اجتماعی دارد، حذف گردد.

۷. قلم سحرآمیز (درس نهم) پیام ادبی چندانی ندارد. علاوه بر این، فاقد مأخذ و منبع مشخص است. جا دارد از حکایات سعدی یا طنزهای عبید زاکانی بیشتر استفاده شود.

۸. از شعر و نمونه‌های ادبیات کلاسیک و سنتی کمتر نشان می‌بینیم که این موضوع ناخواسته، فقر ادبی این نسل را از میراث هنری گذشتگان خویش به دنبال خواهد داشت.

۹. در فصل پنجم با موضوع «اسلام و انقلاب

۱۶. چه خوب بود به جای «شعر وطن» از زنده‌یاد سلمان هراتی ص ۸۲ نمونه‌ای دیگر از شعر ایشان ذکر می‌شد؛ چرا که در سه جای دیگر همین کتاب، نمونه‌هایی با موضوع وطن و سرزمین ارائه شده است (مثلاً ص ۳۰، ص ۷۷ و ص ۷۹).

۱۷. تصویر شعر «پیش از این‌ها» از قیصر امین‌پور چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. جا داشت عکس یک نوجوان زیبا در فضایی رؤیایی تصویر می‌شد تا تصورات نوجوان درباره‌ی خداوند خیال‌انگیز تر شود. در مورد، تصویر جلوه‌هایی از آسمان و ابرها و تصویر باغ و بوستان‌ها مناسب‌تر خواهد بود.

۱۸. مباحث دانش‌های ادبی و فعالیت‌های نوشتاری در هم ارائه می‌شود؛ مثلاً در ص ۱۴ به جای دانش‌های ادبی به مباحث زبانی و دستوری می‌پردازد و در ص ۲۲ در مباحث فعالیت‌های نوشتاری، دانش‌های ادبی را توضیح می‌دهد.

۱۹. آنچه در ص ۱۲۱ با موضوع «ترجمه» آمده چندان گویا نمی‌نماید. جا داشت نخست مقدمه‌ای کوتاه درباره‌ی اصول و فنون ترجمه ارائه می‌شد و سپس، نمونه‌هایی از عبارات عربی و انگلیسی و ... ذکر می‌گردید.

۲۰. در فصل ششم ادبیات بومی، گذاشتن دو درس آزاد در بخش دوم کتاب چندان جالب نیست و بهتر است این دو با فاصله ارائه شوند. مثلاً یک درس در بخش اول (نیم‌سال اول) و دومی در جای خود قرار گیرد یا یک نمونه بیاید؛ به این دلیل که همه استان‌ها غنای ادبی و فرهنگی یکسانی ندارند.

۲۱. در بخش فعالیت‌های نوشتاری ص ۳۴ تمرین درس «ارمغان ایران» نوشته استاد کزازی - که در انتخاب واژه‌های سره فارسی چون فردوسی حساسیت به خرج می‌دهند - روا بود در کنار سه واژه فارسی «همگان / ارمغان و رادان» به جای واژه «ادب» که از واژگان عربی است، لغت فارسی مثل «فر، سپند، آرایش و...» انتخاب می‌شد.



حضور فعال دانش‌آموزان در فرایند یاددهی - یادگیری، کلاس را شاداب و آموزش را پویاتر می‌سازد و به یادگیری، ژرفای بیشتری می‌بخشد

اسلامی» بدون هیچ مقدمه و شرح کوتاه شعر مولوی با عنوان «از علی آموز اخلاص عمل» را آغاز می‌کند که چندان منطقی نمی‌نماید. جا داشت به‌عنوان درآمد، عباراتی کوتاه از تاریخ ادبیات ذبیح‌الله صفا یا سیدجعفر شهیدی یا خدمات متقابل ایران و اسلام از شهید مطهری انتخاب می‌شد.

۱۰. به‌نظر می‌رسد که درس پنجم ص ۴۴ با عنوان «راه نیک‌بختی» ارتباطی با مهارت‌های خواندن ندارد. اولاً جا داشت در ابتدای کتاب اهداف اصول و مهارت خواندن ذکر می‌شد؛ ثانیاً عنوان راه نیک‌بختی کم‌تر تناسبی با شعر انتخاب شده دارد و عنوان «پند شاعر» منطقی‌تر است.

۱۱. آخرین نکته اینکه چه خوب بود یک سیر مطالعاتی تاریخی - ادبی به دانش‌آموزان ارائه می‌شد؛ مثلاً در کتاب ادبیات هفتم چهار قرن اول هجری به علاوه بخشی مستقل از ادبیات معاصر جای می‌گرفت. در پایه هشتم چهار قرن دوم هجری (۸-۵) به علاوه بخشی مستقل از ادبیات معاصر بیان می‌گردید. برای پایه نهم چهار قرن بعدی به همین شکل تا دوره متوسطه دوم ادامه می‌یافت؛ تا جایی که دانش‌آموز در دوره متوسطه اول و دوم سیر کامل تاریخ ادبیات این مرز و بوم را در اندیشه‌اش بپروراند.

پیرامون کتاب «مهارت‌های نوشتاری» پایه هشتم

رویکرد اساسی کتاب، نوشتن اصولی و کمک به دانش‌آموزان برای کسب مهارت‌های دانش‌آموزی است. با توجه به اینکه کتاب اولین دوره «مهندسی نوشتن» را تجربه می‌کند، نکات ارائه شده در آن بسیار منطقی می‌نماید. پرواضح است تمرین نوشتن گروهی در یک بازه زمانی، دانش‌آموز را در رقابت تنگاتنگ ادبی وادار می‌کند که قابلیت‌های خود را بروز دهد. اگرچه محدودیت زمانی و مکانی، چالشی فراروی خلاقیت ذهنی دانش‌آموزان خواهد بود؛ زیرا فرصت کافی و شرایط مناسب می‌تواند هنرنمایی ذوق و قابلیت‌های آنان را دوچندان شکوفا سازد؛ تا جایی که بعضی از همکاران نتوانند از سمنند خیال و اندیشه آنان پیشی گیرند. نقطه قوت دیگر مهارت نوشتاری در کلاس این است که ساعت انشای پیشین برای همکاران و دانش‌آموزان بی‌روح، تکراری و کسل‌کننده بود؛ زیرا معلم تنها می‌شنید، مقایسه می‌کرد و نمره می‌داد. دانش‌آموز تمام احساس و هیجانش را با کمک دیگران در خانه تخلیه می‌کرد و در کلاس هیچ حسی نسبت به نوشته خود و

دیگری نداشت. تنها رفع تکلیف بود و بس. اما این حس رقابت و مهارت نوشتن در کلاس باعث شد که نه تنها ساعت انشا برای دانش‌آموزان لذت‌بخش و جذاب جلوه کند، برای همکاران نیز بسیار حیاتی و حیثیتی باشد؛ تا جایی که مدت‌ها پیرامون موضوعات کتاب می‌اندیشند تا بهترین توصیفات را بسازند و از قافله رقابت ادبی و هنری با دانش‌آموزان عقب نمانند که این خود حداقل دستاورد مهندسی نوشتن خواهد بود. از طرفی تا پیش از این، درس و ساعت انشا برای خانواده‌ها مهم نبود؛ گویی نمره ۲۰ حق بچه‌هایی بود که بعضاً خانواده‌هایشان برای آن‌ها می‌نوشتند اما این کتاب توانست به نوعی مچ‌گیری کند و بی‌توجهی یا بی‌نیازی عده‌ای را به این درس و معلم آن برطرف سازد.

امروزه ساعت انشا برای همه مهم و حساس شده است؛ به‌طوری که در بازدید آموزشی مدارس خانواده‌های بسیاری از مهارت نوشتن و مهندسی آن سؤال می‌کنند و کمک می‌خواهند؛ گویی «چشم‌ها را شسته‌اند و جور دیگری می‌بینند» و می‌خواهند که فرزندانشان بهترین نوشته‌ها را داشته باشند. البته این رویکرد مثبت کتاب تأییدی بر کیفیت ساختاری و محتوایی مهارت‌های نوشتاری است؛ اگر چه باید‌ها و نبایدهایی درباره آن قابل ذکر است:

۱. خوب بود اصول و قواعد نگارشی در یک فصل مستقل جای می‌گرفت.
۲. ای کاش از حکایات سعدی یا مثنوی مولوی که میراث ادبی غنی ماست، انتخاب می‌شد.
۳. به جای بعضی از تصویرهای مرده و غیرضروری از تصاویر زنده، طبیعی و دارای پیام منطقی استفاده می‌شد؛ مثلاً تصویر ص ۲۳ چه خلاقیتی دارد تا با مقایسه آن دانش‌آموز بتواند بازسازی کند یا به آفرینش هنری بپردازد؟
- تصویر ص ۷۸ چه حسی را به مخاطب منتقل می‌کند تا او بتواند احساس خود را با معجون از ذوق و خیال درهم آمیزد؟ پس حداقل تصویرها باید زنده، نو و چالش‌برانگیز باشند.
۴. آنچه در کتب فارسی ص ۲۲ و ص ۵۳ و ص ۷۰ آمده است خوب بود در کتاب مهارت‌های نوشتاری ذکر می‌شد؛ مثلاً نکته فاصله میان‌واژه‌ای که در ص ۲۲ آمده، اگرچه در مهارت خوانداری لازم و ضروری است، به‌کارگیری آن در مهارت‌های نوشتاری دوچندان لازم به نظر می‌رسد.

ادامه مطلب در وبگاه مجله

